



گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نور علی تابنده (محبوب‌علی‌شاه)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

یکی پرسیده خدا «الله» هست یا «علی»؟ هیچکدام. خدا آن چیزی است که اگر دیدی، نپرس یعنی اگر دیدی، دیگر برایت وجودی نمی‌ماند که بپرسی. آنوقت می‌شود:

چنانم محو دیدارم که گویی نقش دیوارم

و اما اینها اسم است که ما می‌گذاریم، البته اسم گاهی از روی خصوصیت شخص است. می‌گوییم این درخت میوه‌دار است، درخت میوه‌دار اسمی است برای این درخت. از روی صفتی که دارد، اسم گذاشتیم و برای اینکه خودمان بفهمیم و بفهمانیم چون هدف صحبت، حرف زدن، لغت، نام گذاری، این است که خودمان در بین خودمان بفهمیم که این یک صفت چیزی است.

بنابراین ما اگر اسم‌ها، لغات را برای این بگوییم که آن چیز را بشناسیم، همه‌ی این لغات درست است. اصلاً چیزی نیست غیر از «خدا»، همه چیز، نه اینکه پس فردا بگویند: اینها همه ادعای خدایی کردند، نه! می‌گوییم: چیزی نیست غیر از خدا، لَيْسَ فِي الدَّارِ غَيْرُهُ دَيَّارِوَلِي خداوند صفات فراوان دارد، هر صفتش هم اسمش است، می‌گوییم: «یارحیم»، «یاکریم»، اینها همه اسم خداست ولی صفتش هم هست. می‌گوییم خدای رحیم به ما رحم کند، خدای کریم به ما روزی رسان باشد. لغت علی از صفات خداوند است یعنی بلند، بزرگ، اسمش هم هست. «یاعلی» و «یاعظیم» در دعای ماه رمضان، روزانه می‌خوانیم. می‌توانیم بگوییم: يَا اللَّهُ الْعَلِيُّ، يَا اللَّهُ الْعَظِيمُ ولی خود این صفت علامت این است که من اینقدر به این صفت چسبیدم و نیاز دارم که اصلاً این صفت را، اسمش می‌دانم. می‌گوییم یاعلی، یاعظیم.

بنابراین اینکه می‌گویند «یاعلی» هم نام خداوند است و هم اسم یک شخص است. آن شخصی که خداوند اینقدر به او علاقه مند بود که یک نام دیگری می‌خواستند برای او بگذارند، خود پیغمبر فرمود نه، اسم این علی است یعنی خداوند از آن مقام پایین آمد و یکی از صفات خودش را اسم این قرار داد گفت یاعلی. درویش‌ها بیشتر می‌گویند: یاعلی.

یکی از دوستان من گفت: آقای تابنده یک سؤالی از شما دارم، گفتم بفرمایید. گفت: آخر درویش‌ها می‌گویند: یاعلی، شما کمتر می‌گویید یاعلی. گفتم: من علی، چنان در جسمم، در روحم جا گرفته که منی نمانده یعنی چه صدا بزنم؟ به علاوه اینهایی که (منظور ما، درویش‌ها) که می‌گویند یاعلی، نام خداوند است یعنی خداوند علی و عظیم است. البته من چه می‌دانم؟ شاید او نیتش این

بوده. هر کسی هر نیتی دارد، همان است. در مورد درویش‌ها و درویشی، اینکه شناخته بشود، از بعد از زمان پیغمبر است. زمان پیغمبر یک عده‌ی خاصی بودند که حالا ما اگر بگوییم اینها درویش بودند، می‌گویند که اینها همه را به اسم خودشان می‌گویند! نه، منظور ما همان صفاتی است که پیغمبر می‌فرمود برای بزرگان، اینها داشتند. منتها اینها در مردم بودند. مثل ابوذر، ابوذر یک چوپانی بود، این هم یادتان باشد:

هیچ کافر را به خواری منگرید چون مسلمان مردنش باشد امید

اگر یک کارگری، عمله‌ای دیدید کار می‌کند، او هم انسان است. نمی‌دانید، شاید او مقام معنوی‌اش از شما هم بالاتر باشد، به نظر تحقیر نگاه نکنید اما وقتی در این دنیا هستید، قواعدی دارید. قواعد این است که شما وقتی به اداره می‌روید، پیش خدمت بر شما سلام کند، شما هم می‌روید اداره، به آن رئیس اداره سلام کنید ولی همین پیش خدمت که باید بر شما سلام کند اگر یک وقت شما بر او سلام کنید، گناه نکردید، شاید خیلی هم ثواب کردید. من پیش خدمتی در اداره مان می‌شناختم که واقعا از صمیم قلب به او می‌گفتم التماس دعا.

بعد از فوت پیغمبر مثلاً بیشتر به علی توجه می‌داشتند، البته هیچ کدامشان خدای نکرده نمی‌گفتند خلیفه از مسلمانی خارج شده، نه! او هم مسلمان بود، سلام می‌کرد ولی نام علی را می‌گفتند. می‌گفتند در بین صحابه ما علی را بیشتر از همه قبول داریم، این حرف نادرستی نبود، قبول داشتند. این است که کم‌کم بعد از آن زمان بیشتر این اسم بر علی عَلَيْهِ السَّلَامُ اطلاق شد یعنی اگر می‌گفت یا علی، بر علی السلام علیک می‌گفت یعنی بر آن یکی دیگر نه سلام علیک؟ نه اینکه دشمنی، لعنت، نه! این است که در درویشی اگر با توجه به این مطلب که خداوند اجازه داده یکی از نام‌های خودش بر این گذاشته شود، خیلی اهمیت دارد. ما دست‌مان به خدا که نمی‌رسد. خداوند که دامن ندارد، ما هم دست نداریم آنجا که دست‌مان به دامن خدا برسد. اینجا که بوی خدا می‌دهد، خدا غیر از آنکه وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي (سوره حجر، آیه ۲۹ / سوره ص، آیه ۷۲) فرموده است، در این مورد به این شخص گفته نام من را به این بده یعنی یک قطعه‌ای، یک بویی از این نام به خود این شخص رسیده و اگر ما به آن دسترسی پیدا کنیم، کلاه‌مان را از خوشحالی به عرش می‌اندازیم. این مولود، این موجود عظیم‌الشان هزاران هزار نام و صفت دارد. این صفت را که فرموده به صورت نام به این بدهیم، این را بیشتر از همه توجه داریم برای اینکه می‌گوییم: خداوند بلندمرتبه است، علی است این همان صفت خداوند است که اینطوری شده. مثل اینکه این لبخند ژوکوند که از تابلوهای مشهور دنیا است در موزه‌ی لوور می‌گویند یک طوری نقاش لبخند را کشیده که شما هر طوری نگاه کنید، این می‌گویید همان است. اگر بدحال باشید نگاه کنید، می‌بینید این هم کسل است. اگر سرحال باشید می‌بینید که لبخند این خیلی خوشحال است. حالا ما چون دیدمان وسیع نیست، آن علی را آنطوری که

هست، نمی‌شناسیم.

توبه تاریکی علی را دیده‌ای زان سبب گیری براو بگزیده‌ای

بنابراین بستگی به نیت خودتان هست. اگر فقط کارتان، کار دنیایی باشد در دنیا هستید، علی را می‌بینید یک آدمی مثل خودتان. اگر آن اجازه‌ای که هست که این علی را به علی اسم بگذارید، آن را می‌بینید، می‌بینید با خدا یکی است. از اینجا بعضی‌ها اشتباه کردند علی را الله گرفتند، گفتند علی‌اللهی. حضرت صالح‌علیشاه در جواب یکی از آنها گفته بودند: ما علی را بنده‌ای می‌دانیم. علی را جز خدا نمی‌بینیم و علی را محو در او می‌بینیم ولی آنهایی که اصلاً خدا را نمی‌بینند، بس که این چراغ چشم‌شان را زده، علی را خدا می‌گویند. به هر جهت فرقی نمی‌کند. فقط بدانید که علی را خدا دانستن، کفر است. خود علی عده‌ای را به همین جهت سوزاند چون می‌دانست اینها لابد روی حقه بازی می‌کنند یا روی نفهمی می‌کنند. به هر جهت این هم یک سؤالی است که بیشتر این سؤالات از این موجب می‌شود که روی مطالب تفکر نمی‌کنند. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح یک شنبه، ۱۳۹۴/۱/۳۰)

خداوند توسط پیغمبرانش دستوراتی راجع به همه چیز می‌دهد، البته بعضی‌ها ایراد بر شیعه یا بر تصوّف یا بر اهل سنت یا بر مسلمان‌ها اصولاً می‌گیرند که راجع به همه‌ی این مسائل یک حرفی زده، دخالت در همه چیز کرده. این یک مقداری درست است ولی این نعمتی است که خداوند در همه‌ی کارها خودش گفته است. آخر این مردم را، این خلقت را که ماها ایجاد نکردیم، خداوند خلق کرده، خداوند هم این روش را دارد که بچه به دنیا بیاید بعد کم کم بزرگ می‌شود و بعد در هر سنی، در هر مرحله‌ای یک وظایفی دارد که خدا یک چیزهایی برایش گفته. فرزند هم همینطور است. در مورد انسان، خداوند دقت بیشتری به ما فرموده است. البته خداوند که همه‌اش دقت است، بدون نظر او کاری نمی‌شود ولی به ماها تقریباً دستور داده. در یک جا در ازدواج می‌فرماید: تَنَاصَلُوا تَنَاصَلُوا تَكْتُرُوا فَإِنَّ أَبَاهُ بِكُمْ الْأَمْرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ بِالسَّقَطِ که معلوم می‌شود به نورات جمعیت مسلمانان علاقه مند است که می‌فرماید: هر کدام از پیغمبران، نزد خدا افتخار می‌کنند که پیروان ما این قدر هستند. البته «نزد خدا افتخار می‌کنند» مثل کارگری، مثل خادمی است که خدمت مولای خودش گزارش می‌دهد. این اهمیتی است که به ایجاد نسل داده، بعد هم که یک نسلی، یک مولودی می‌خواهد خلق بشود و به وجود بیاید، خداوند از همان اول، برای او موجودیت قائل است به این معنی که وقتی در قواعد فقهی، شرعی، دیه قائل شدند یعنی اگر کسی به یک وسیله‌ای دیگری را از بین برد، باید دیه بدهد. اگر زخمی زد به کسی، یا کسی را مجروح و مسموم کرد، باید یک مقداری دیه بدهد، جریمه‌ی این کار را به طرف بدهد که البته اگر آن طرف مُرد به ورثه‌اش می‌دهد، این را می‌گویند دیه. حتی برای

جنین هم خداوند دیه گذاشته یعنی اگر کسی باعث بشود که یک شخصی، بانوی بارداری، سقط کند، با ضربه‌ای که بزند، باید به او دیه بدهد یعنی آن موجودی که هنوز ما ندیدیم و نمی‌دانیم، در نظر خدا قیمت دارد. بنابراین طفل را به این مناسبت یادم آمد، که طفل را در نگهداری اش، در صحتش، در امانتش خیلی دقت و مواظبت کنید و به همین طریق که بزرگ می‌شود به دنیا که آمد راجع به غذایش دقت کنید، راجع به صحت آن، بیماری آن دقت کنید. مدرسه که می‌رود درس بدهید، علم یاد بگیرد. در هر لحظه‌ای برای بزرگ‌ترها، پدر و مادرها خداوند وظیفه تعیین کرده، این وظیفه را باید دقت کنید و خود این تعیین وظیفه نشان می‌دهد که کودک یک احترامی در نزد بزرگ‌ترها دارد منتها چون خودش هنوز ضعیف است، نه دستش نیرو دارد، نه پایش، نه چشمش، نه گوشش، وظیفه‌ی او را به اصطلاح، مواظبت او را خداوند به بزرگ‌ترها، آنهایی که این قدرت‌ها را دارند سپرده. بی‌اهمیت نگیرید و این را یاد بگیرید.

البته در حیوانات هم که نگاه کنید، در همه‌ی حیوانات مادر از فرزندش در تمام لحظات کاملاً مواظب است و حتی جان خودش را حاضر است در راه او بدهد. در بعضی حیوانات که من یا در کتاب‌ها خواندم، یا دیدم، پدر و مادر هر دو موظف به مراقبت هستند که من جمله در رأس آن حیوانات، بشر است که در بشر، هم مرد، هم زن هر دو موظف به یک وظایفی هستند و حتی از آن لحظه‌ی به دنیا آمدن، وظیفه‌ی مرد خیلی مشخص‌تر است یعنی وظیفه‌ی مرد این است که برای این کودک غذا فراهم کند. اگر خود مادرش این را شیر می‌داد و چیزی مطالبه کرد، باید پدر بدهد. همه‌ی اینها هست، نمی‌خواهم احکام فقهی مفصلی را بگویم ولی در همه‌ی اینها منظور نتیجه و برداشت آن این است که فرزند، نوزاد، کودک در هر سنی یک احترامی دارد که باید رعایت کنید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح جمعه، ۱۳۹۳/۱۱/۳)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (محبوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه پندصلح / شرح فریاشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فریاشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس تقریری، امر به معروف و نهی از منکر) / جزوات رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ با کزیده‌هایی از بیانات / مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها) / مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.